

دکتر علی اکبر شعاری نژاد

اشاره

شماره‌ی ۸ هر دوره از مجلات ماهنامه‌ی رشد، هم‌زمان با اردیبهشت‌ماه منتشر می‌شود و با توجه به تقارن این شماره از مجله با ایام بزرگداشت مقام معلم، تقریباً همه‌ی مجلات، یادداشت سردبیر شماره‌ی اردیبهشت‌ماه خودشان را به این موضوع اختصاص می‌دهند.

بسیار خوش‌وقتیم به خوانندگان گرامی مجله اطلاع دهیم که یادداشت سردبیر این شماره از مجله را به جای سردبیر، معلمی بزرگ به رشته‌ی تحریر درآورده است که اکنون در هشتاد و ششمین بهار زندگی و شصت و پنجمین سال معلمی‌اش به سر می‌برد. دکتر علی اکبر شعاری نژاد استاد برجسته‌ی دانشگاه علامه طباطبایی، که ده‌ها اثر علمی و اثرگذار از ایشان در حوزه‌ی روان‌شناسی تربیتی و تعلیم و تربیت منتشر شده است، این یادداشت را در حالی در اختیار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی قرار داد که دوران نقاهت پس از بیماری دشوار خود را که در واپسین ماه‌های سال ۹۰ او را آزار داد، پشت سر می‌گذاشت. با سپاس از این استاد گرامی و با آرزوی طول عمر با عزت و شرف برای ایشان، یادداشتی را که به مناسبت هفته‌ی بزرگداشت مقام معلم تنظیم شده است، حضورتان تقدیم می‌کنیم.

چون تنها اوست که با واقعیت‌های زندگی کودکان و نوجوانان آشناست. او می‌داند که این‌ها چه می‌خواهند. چون او می‌داند که برنامه‌ریزی آموزشی یا کتاب درسی نوشتن تنها عبارت‌پردازی نیست، بلکه پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی روز کودکان و نوجوانان است. ۶. محیط را برای او سالم و شادگرداند، زیرا که سلامت و شادی از نخستین شرایط فراموش نکنیم که مدرسه جای زندگی است و همیشه باید شاد باشد.

۷. منابع یادگیری غنی و جدید در اختیارش بگذارند.

۸. این واقعیت را فراموش نکنند که حرفه‌ی معلمی و معلم، پیوسته به یادگیری و تازگی نیاز دارند. معلم شایسته، فرزند روز است، چون می‌داند که در غیر این صورت طبعاً به عقب‌افتادگی کودکان و نوجوانان و مآلاً جامعه کمک خواهد کرد.

او نشان دهند.

۲. او را در فعالیتهای آموزشی؛
- یاری کنند.

- پیوسته از نظر علمی تقویت کنند.
- شرایط یادگیری و آموزش را برایش مساعدگر دانند.

- خانواده‌ها صادقانه و صمیمانه با او همکاری و هم‌یاری کنند؛
که در غیر این صورت، او از موفقیت محروم خواهد شد.

۳. شرایط یا امکان‌های تکنولوژی آموزشی روز را برای او فراهم کنند.

۴. شرایط رفاهی مناسب را برای معلم فراهم کنند، چون معلم هم انسان است و باید زندگی کند؛ زندگی سالم و برخوردار از تغذیه‌ی سالم، مسکن سالم، خانواده‌ی سالم، تحرک سالم و تفریح سالم.

۵. در هرگونه تصمیم‌گیری آموزشی یا برنامه‌ریزی آموزشی از او کمک بگیرند،

معلم، زندگی مردم را تغییر می‌دهد. شاید معلمی تنها حرفه‌ای است که زمان و مکان مشخصی ندارد.

معلمی، شغلی است که همه‌ی جهانیان مخاطب آن است.

پس پرداختن به معلم و معلمی، در واقع پرداختن به همگان و همه‌ی امور زندگی است. معلم زمانی خوش‌حال است یا احساس خوش‌حالی می‌کند که در تغییر مثبت رفتار کودکان و نوجوانان و مآلاً خانواده‌ها موفق شود؛ که جز این هدفی ندارد.

معلم شایسته هر روز، نه بلکه هر لحظه را روز خویشتن یا فرصت تغییر رفتار می‌داند. بنابراین، هر روز «روز معلم» است. این معلم طبعاً انتظار یک شاخه‌ی گل یا یک هدیه‌ی مادی را ندارد و حتی آن را دون شأن خود می‌داند و بلکه انتظار دارد:

۱. ارزش اجتماعی - انسانی کار او را بدانند و دریابند و عملاً این درک خود را به

بهترین هدیه

محمدباقر نوریان لایلی

آموزگار دبستان شهید مدرس حاجی کلا، محمودآباد مازندران

جالب‌ترین خاطره‌ای که از دانش‌آموزان کلاسم دارم، به آبان‌ماه سال ۹۰ برمی‌گردد. تکلیفی به دانش‌آموزان داده بودم مبنی بر این که برای معلمان یک نام و نام خانوادگی و یک شغل مناسب، غیر از شغل و نامی که هم اکنون دارد، بنویسند!

بازتاب‌ها بسیار جالب توجه بود. هر دانش‌آموزی بنا به تیپ و قیافه‌ی من چیزهایی نوشت: (امیرحسینی، شغل مهندس)، هومن رضایی، شغل فوتبالیست) و... اما جالب‌ترین آن‌ها متعلق به دانش‌آموزی بود که نوشته بود: «به شما می‌آید که نامتان **مصطفی رحماندوست** و شغلتان هم، همان معلمی باشد!»

این شاید روحیه‌بخش‌ترین عبارتی بود که از دیدگاه یک دانش‌آموز در وصف من نوشته شده بود! و برای من هم که از دوران کودکی با اشعار مصطفی رحماندوست و شخصیت این شاعر کودک، رو به شعرهای کودکانه آورده بودم، بزرگ‌ترین هدیه‌ی کلاسی به‌شمار می‌آمد.

۹. مدیر مدرسه‌اش حتماً معلم باشد و تجربه‌ی معلمی، به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی، داشته باشد.

۱۰. اگر قرار است روزی را به نام معلم اختصاص دهند، بهتر است به احترام و به‌خاطر خودش باشد و شاعری گوید:

در جنگی انبوه به یک دو راهی رسیدم
و من راهی را برگزیدم که عده‌ی زیادی
از آن راه نرفته‌اند

این بود راز تفاوت من با دیگران.

۱۱. معلم را صرفاً کارمند دولت تلقی نکنند و سرمایه‌گذاری برای او را نوعی سرمایه‌گذاری ملی و اجتماعی بدانند.

۱۲. معلم، شاید تنها کسی باشد که در آن واحد:

* انسان است با همه‌ی ویژگی‌های یک انسان سالم

* فیلسوف است، چون می‌داند چه می‌کند و چرا؟

* عالم است.

* هنرمند است، چون خلاقیت دارد و بدون این خلاقیت، نمی‌تواند پاسخ‌گوی زمان باشد.

۱۳. به‌طور کلی، به معلم و محصل با هم و هم‌زمان ببندیشند زیرا که آن دو تفکیک‌ناپذیرند: در چه زمانی زندگی می‌کنند؟ چه انتظاری دارند؟ چه انتظاری از ایشان داریم؟ چگونه می‌توان یا باید به نیازهای واقعی آن دو پاسخ گفت؟ چون می‌دانیم آموزش - پرورشی که پاسخ‌گوی این انتظارات یا نیازها نباشد طبعاً «ابتر» خواهد بود.